

علائم پیدایش تمدن نوین اسلامی؛ هشدار برای ایجاد و تقویت سازمان های تمدن ساز

رضا مقبسه^{۱*}

دانشجوی دکترای مدیریت آینده پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی

علیرضا کیقبادی^۲

دانش آموخته دکترای مدیریت آینده پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی

عبدالرحیم پدram^۳

عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

چکیده

هدف مقاله حاضر شناسایی و ارائه نشانه ها و علائم تمدن نوین اسلامی با روش تحلیل مضامین می باشد؛ تمدن نوین اسلامی یک پدیده اسلامی است و نیازمند مفروضات و روش اسلامی برای آینده پژوهی است. شناسایی علائم تغییر یکی از روش های دیده بانی در علم آینده پژوهی است. در آینده پژوهی اسلامی علاوه بر توجه به مشهودات بایستی به سایر عوامل اثر گذار بر زندگی بشر معتقد بود و از همه مهمتر وعده های الهی را باور داشت.

تمدن سازی نوین اسلامی هر چند هنوز به صورت یک روند کاملاً آشکار در نیامده است، اما علائم و نشانه هایی دارد که احتمال وقوع آن در آینده از منظر صاحب نظران، خیلی زیاد است. بیشترین کسانی که بر تمدن سازی نوین اسلامی تأکید دارند، رهبران انقلاب اسلامی هستند و ایشان هستند که جهت گیری های انقلاب اسلامی را هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی به این سو سوق می دهند؛ بنابراین نشانه های تشکیل تمدن نوین اسلامی را با تحقیق و مطالعه می توان در منویات و اندیشه ولایت مشاهده و استنباط کرد.

شناسایی درست علائم تغییر، مسئولین و مدیران نهادها و سازمان های کشور و نظام را در هدایت امور به سمت آینده مطلوب کمک می کند. وقتی تمدن سازی نوین اسلامی در حال شکل گیری است، نهادها و سازمان های کشورهای مختلف بایستی توان رقابت و فعالیت در سطح تمدن را داشته باشند و به عبارتی خودشان را تمدنی بسازند. نهادها و سازمان های انقلابی و اسلامی، بایستی با وجود این علائم و نشانه ها، خود را برای ایفای نقش آماده کنند.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۷

* (نویسنده مسئول: r.moghiseh@sndu.ac.ir)

واژگان کلیدی: تمدن، آینده پژوهی، نشانه های تغییر، سازمان های تمدن ساز.

مقدمه

مطابق نظر علما و حکمای بزرگ اسلامی و خصوصاً حضرت امام خمینی رحمت الله علیه، «انقلاب اسلامی» مقدمه ظهور است و از طرفی آخرین هدف مرحله ای انقلاب اسلامی از دیدگاه حضرت امام خامنه ای مدظله العالی، «تمدن نوین اسلامی» است. هرچند مطابق دیدگاه معظم له اکنون انقلاب اسلامی در مرحله دولت اسلامی و جامعه اسلامی در حال فعالیت است. اما با دیده بانی داده ها و تحلیل می توان نشانه های تشکیل تمدن نوین اسلامی را مشاهده و درک کرد.

دیده بانی و یکی از روش های آن یعنی توجه به «نشانه های تغییر^۱» حوادث و پدیده ها، باعث خواهد شد تا مسئولان با علم و آگاهی در جهت ساخت آینده قدم بردارند؛ امام صادق علیه السلام باره کسانی که عالم به زمان هستند می فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ: عالم به زمان مورد هجوم پوشش های زمانه نمی شود». لوابس جمع لباس و همه چیزهایی است که چیزهای دیگر را می پوشاند. عصر حاضر عصر وفور و فراوانی اطلاعات و داده ها پیرامون موضوعات مختلف در جهان است؛ این قدر اطلاعات زیاد است که احساس می شود همه چیز بر سایر چیزهای اثر مستقیم دارد. وقتی یک کودک ناقص الخلقه به دنیا می آید و وقتی یک بستی بزرگ در یک کشور ساخته می شود، صفحات زیاد و زمان های زیادی از وقت مردم را به مطالعه و مباحثه اختصاص می دهد. انفجار یک بمب در یک شهر به دلیل تردد توریست ها و مسافران از سایر کشور در آن شهر، حواس همه را به خود جلب می کند. در زمان حاضر اسارت، جراحت و شهادت یک رزمنده مسلمان در بین کشورهای و شهرهای کشور به سرعت پخش می شود و اثرات فراگیر می گذارد؛ از سوی دیگر یک شایعه درباره یک کاندیدای ریاست جمهوری در کمتر از یک ساعت در فضای مجازی به کاهش یا افزایش آرا او یا رقیب او منجر می شود. این قبیل حوادث نشان می دهد در عصر اطلاعات، در واقع هجوم اطلاعات وجود دارد و اطلاعات با تهاجم خودشان خیلی چیزهای دیگر را می پوشانند.

«یکی از پایه ای ترین فعالیت های آینده پژوهان، شناسایی و تحلیل علایم ضعیف در بین

۱. change signal

سایر علائم است. این علایم که نشانه های تغییر در آینده هستند به راحتی قابل شناسایی نیستند اما آشوب حاکم بر جهان سبب شده است تا این تغییرات کوچک پیامدهای بسیار بزرگی در پی داشته باشند. جلوگیری از غافلگیری در برابر سونامی های هولناک آینده نیازمند شناسایی پیش دستانه کوچک ترین و ضعیف ترین علایم پیدایش این تغییرات بزرگ است. کشف علایم ضعیف و ارزیابی استعداد آن ها، به معنی آمادگی برای آینده و پیشگیری از غافلگیری در برابر شگفتی سازه های آینده است». (گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده اندیشی، ۱۳۷۸، ص الف)

امام خمینی رحمت الله علیه، یکسال قبل^۱ از رحلتشان خطاب به حوزه های علمیه می فرمایند: «حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۹۲)

این هشدار امام اولاً موید وجوب جلوتر بودن عالمان از حوادث روزگارشان را نشان می دهد و ثانیاً نشان دهنده فهم حکیمانه ایشان به نیازها و حوادث آینده است. امروز به روشنی می توان فهمید که مسائل مستحدثه و نویی برای مردم در روابط اجتماعی، اقتصاد و تجارت و حمل و نقل آسان مردم از کشوری به کشور دیگر و.... بوجود آمده است که از ابعاد مختلف هم فرصت است و هم تهدید.

۱- بیان مسئله

وقتی فضای روابط و تعاملات میان ملت ها و امت ها تمدنی شود، همه فعالیت های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تجاری، حمل و نقل و... کشور، نهادها، سازمان ها و شرکت ها بایستی توان رقابت و حیات موفق در بین ملت ها و کشور های هم فرهنگ و هم نوع را داشته باشند. «علائم تغییر» و شکل گیری تمدن نوین اسلامی کدامند؟ از منظر معماران و رهبران بزرگ انقلاب اسلامی، علائم تمدن نوین اسلامی کدامند؟

شناسایی علائم تغییر یکی از روش ها و ابزارهای دیده بانی در علم آینده پژوهی است که با

رویکرد فرصت‌سنجی در حوزه تمدن‌سازی برای نهادها و سازمان‌ها و شرکت‌هایی که نقش اساسی حاکمیتی و... ضروری است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفاهیم و تعاریف

الف- آینده‌پژوهی^۱

ممکن است یک آینده به وقع پیوسته باشد اما ما هنوز آن را کشف نکرده باشیم؛ «گیسون معتقد است: آینده آمده است، اما هنوز گسترده نشده است». (خزائی و محمودزاده، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵) این استعاره نشان می‌دهد که درک انسان‌ها اساس آینده‌پژوهی است؛ «لایه‌های حاکمیت بخشی به آینده‌پژوهی در جامعه اولاً نیازمند توانمندی‌ها و ادراک انسان‌ها است و ثانیاً مفاهیم آینده، گفتمان‌های آینده را امکان‌پذیر می‌سازند». (همان، ص ۱۷۷) هر چه ادبیات و مفاهیم آینده، بیشتر گفتمان شود، باورپذیری آینده برای مردم و جامعه آسانتر می‌شود. تمدن‌سازی نوین اسلامی، هدف آخر انقلاب اسلامی است که نیازمند ادبیات و مفاهیم مرتبط با خود آن است.

تفکر و تحلیل پیرامون آینده یکی از ویژگی‌های فطری و اساسی انسان‌ها و جوامع است؛ «انسان می‌تواند افزون‌براندیشیدن به آینده، به کثرت آینده نیز بیان‌دیشد. برخلاف جسم انسان که ناچار و به دلیل ضرورت سازگاری‌های زیست‌شناختی (مانند تنفس، گوارش، سنتز، پروتئین‌ها و...) در چهارچوب زمان به قید کشیده شده است، ذهن، تخیل و اندیشه او می‌تواند آزادانه و ارادی در میان آرایه‌ای از جهان‌های گوناگون و دیدگاه‌های جهانی پرشمار، گذشته، حال و آینده گردش کند. این بخش وارهیده از وجود انسان همچنین می‌تواند بی‌هیچ واسطه‌ای با نسل‌های آینده ارتباط برقرار سازد». (همان، ص ۱۷۸)

از لحاظ علمی هیچ اشکالی برای داشت آرزوهای معقول و منطقی نیست و برعکس توجه و پیشتازی برای ساختن آینده یک امر معقول‌تر و منطقی‌تر است؛ «هوشمندانه‌ترین کار، مهیا شدن برای امور غیر قابل پیش‌بینی است. رویدادهای ممکن اعم از محتمل و نامحتمل، فراوان‌تر از آن هستند که بتوان تمامی آن‌ها را بررسی کرد». (وندل‌بل، ۱۳۹۲، ص ۳۷) به عبارتی هدف آینده‌پژوهی

۱. Futures studies

شناخت و فهم آینده های نانادیشیده^۱ توسط دیگران و خود ما است. «آینده خوشبختانه یا متأسفانه - خوشبختانه اگر رویدادهای غیر مترقبه را خوشایند بدانیم و متأسفانه اگر آنها را ناگوار بینگاریم - در بردارنده مولفه ی عدم قطعیت است. برداشتن پرده های ابهام از آینده، آشنا ساختن بیش از پیش ما با گزینه های محتمل آتی و افزایش استیلائی انسان بر آینده، هدف آینده پژوهی است». (همان، ص ۳۸)

تمدن نوین اسلامی آروزی بزرگ معمار انقلاب اسلامی و شهدا و علمای و مجاهدان زیادی تاکنون بوده است و امروز هم علاقمندان و آرزومندان زیادی در گوشه و کنار جهان دارد و نیازمند تفکر و تحلیل بیشتری از سوی آنان است.

ب- دیده بانی

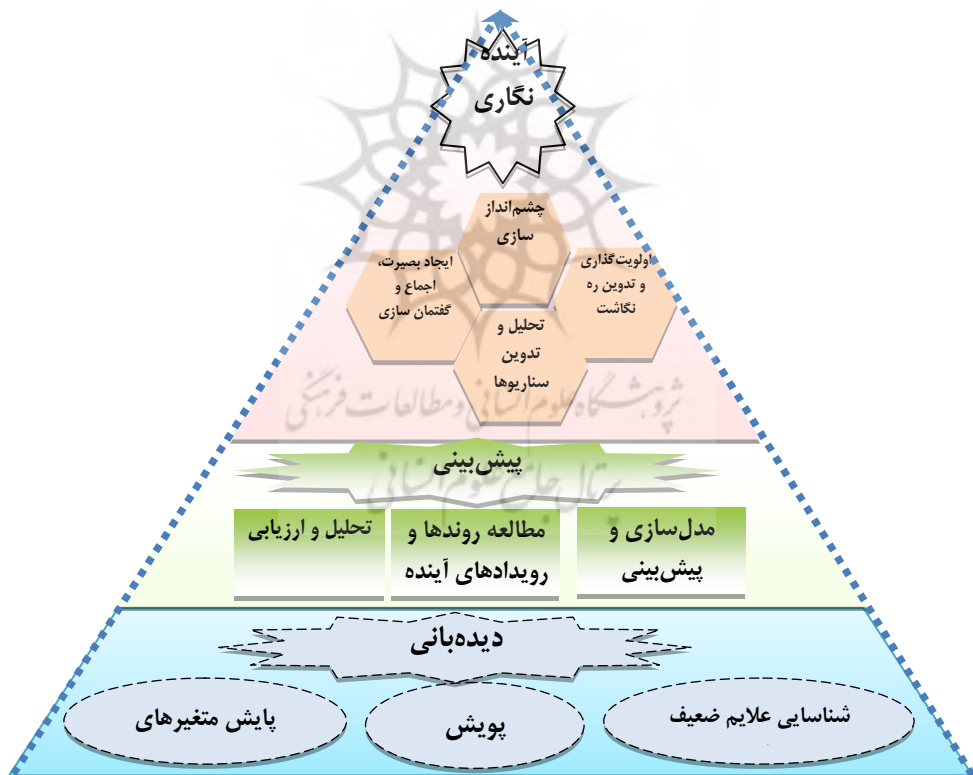
یکی از پایه ای ترین روش ها و ابزارهای آینده پژوهی دیده بانی است؛ «دیده بانی برآیند پایش^۲ و پویش^۳ است و دو کارکرد مهم برای اتاق فکر (معادل اتاق جنگ) سازمان دارد؛ یکی تأمین داده های ورودی فرایند آینده پژوهی و دیگری جلوگیری از غافلگیری سازمان است». (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴، صص ۷۹-۸۰) بنابراین در فضای متلاطم عصر حاضر سازمان ها و نهادهای انقلابی و اسلامی برای کمک به ساختن آینده انقلاب اسلامی حتماً نیازمند این ابزار علمی می باشند.

«بسیاری از محققین حوزه ی سازمان، مدیریت و آینده پژوهی با تأکید بر اهمیت روندها، علایم ضعیف تغییر و شگفتی سازها، هنگام پویش محیطی بیشترین توجه را به این سه کانون اختصاص می دهند. پدیده هایی که احتمال وقوع آن ها ضعیف است، اما در صورت تحقق، تأثیرات عمده ای بر جای می گذارند، همان علایم ضعیف هستند. به همین ترتیب پدیده هایی که احتمال وقوع شان ضعیف است و در صورت وقوع، تأثیر چندانی ندارند، بی معنا هستند. روند اصیل اتفاقی است که احتمال وقوع بالایی دارد و اکنون در جریان است، ولی تأثیر خیلی زیادی برجای نمی گذارد. در این حالات رمزآلودترین اتفاقات، همان علایم ضعیف هستند». (طاهری دمنه، ۱۳۹۵،

(www.iranianfuturist.com)

۱. Unthought Futures
۲. Monitoring
۳. Scanning
۴. Wald Cards

بنابراین چنانچه اشاره شد در عصر حاضر، به دلیل کاهش فواصل ارتباطی و تعاملاتی بین کشورها، نهادها، سازمان ها و مردم، که عدم قطعیت ها و پیچیدگی ها فراوان است، بیشتر از گذشته نیازمند دیده بانی و توجه به تغییرات و خصوصاً علائم ضعیف تغییر هستیم؛ «ادوارد لورنز پیشگام نظریه ی آشوب، حساسیت به تغییرات کوچک را ویژگی بارز نظام های پیچیده ی انطباق پذیر می داند. به اعتقاد وی، از آنجا که تغییرات کوچک ممکن است به تفاوت های بزرگ میان پیامدهای مورد انتظار و پیامدهای واقعی بیانجامد، ضروری است رخدادهای کوچکی که در رویدادهای کلاسیک آینده پژوهی از آن ها غفلت می شود، با دقت مورد توجه قرار گیرند. از دیدگاه لورنز، انسان قرن بیست و یکم باید بیاموزد که علایم ضعیف دگرگونی را تشخیص دهد و به آنها توجه کند. تشخیص علایم، سخت تر از پیش بینی تأثیرات آنهاست.» (گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده اندیشی، ۱۳۷۸، ص ۱۱)



شکل ۱- جایگاه دیده بانی و شناسایی علائم ضعیف تغییر در آینده پژوهی (خزائی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵)

جدول ۱- موضوع پدیده های آتی - احتمالات و اثربخشی

تأثیر کم	تأثیر زیاد	
بی معنا	علایم ضعیف	احتمال ضعیف تحقق
روند اصیل	فراروند	احتمال قوی تحقق

ج- نشانه های ضعیف^۱:

علائم یا سیگنال های ضعیف برای اولین بار توسط آنسوف^۲ معرفی شد. آنسوف را پدر مدیریت استراتژیک می نامند. در تحلیلی که آنسوف از سیگنال های ضعیف ارائه می دهد، سه مفهوم را معرفی می کند. ۱- محیط آشفته، ۲- گسستگی استراتژیک و ۳- شگفتی استراتژیک. گسستگی استراتژیک بدین معنی است که توسعه آینده، از گذشته و یا از برون یابی روندهای گذشته فاصله زیادی گرفته است. شگفتی های استراتژیک نیز به معنی برخی از وقایع ناگهانی هستند که یا منابع عمده سوددهی شرکت را با مشکل مواجه می سازند و یا باعث از دست رفتن فرصت های پیش روی شرکت می شوند. سیگنال های ضعیف اولین نشانه ها از گسستگی های استراتژیک یعنی اولین نشانه ها از تغییرات ممکن در آینده اند که به عنوان نشانه های خطر عمل می کنند و یا نشانه هایی از فرصت های جدیداند.

وقتی سیگنال های ضعیف برای اولین بار بروز می کنند، اطلاعاتی که بروز می دهند، بسیار مبهم هستند به گونه ای که تنها حسی از فرصت و یا تهدید را به همراه دارند. به تدریج اطلاعات افزایش پیدا می کنند، منابع فرصت و تهدید بهتر شناسایی می شوند، پاسخ های درخور و نتایج قابل انتظار معرفی می شوند. تکامل یک سیگنال ضعیف به یک سیگنال قوی و یا شاید یک روند و حتی شاید یک کلان روند در مدل چرخه زندگی اطلاعات آمده است. (طاهری دمنه،

(www.iranianfuturist.com, ۱۳۹۴)

سیگنال ضعیف یک ابزار پشتیبانی برای تصمیم گیری است. ما با محیط پیرامون خود همیشه در حال تبادل داده ای هستیم. برخی از داده های اطراف ما بر کسب و کار ما تاثیر گذار هستند. داده های

۱. weak signal

۲. Harry Igor Ansoff

موثر بر کسب و کار را سیگنال می‌نامیم. سیگنال‌ها بسته به میزان تاثیر آنها بر کسب و کار ما به دو دسته قوی و ضعیف تقسیم می‌شوند؛ مثلاً تغییر نرخ ارز برای یک بازرگان سیگنال قوی و برای یک مدیر آموزشگاه کنکور یک سیگنال ضعیف محسوب می‌شود و سیگنال تغییر میزان پذیرش دانشگاه‌ها برای آن دور حالت عکس دارد. سیگنال‌های قوی به خاطر تاثیرشان همواره مدنظر هستند و از روی اجبار ناچار هستیم که تغییرات آنها را پایش نماییم و در مواقع لزوم واکنش‌های مناسب را طراحی و اجرا کنیم؛ اما سیگنال‌های ضعیف معمولاً از دریچه ذهن شلوغ ما وارد نمی‌شوند و به آنها نمی‌پردازیم. این تکنیک می‌گوید سیگنال‌های ضعیف را به چند دلیل بایستی مدنظر قرار داد:

- احتمال وجود راه حل‌های سریع و میان‌بر برای حل مشکلات.
- نشانه‌های ابتدایی رکود یا رونق بازار.
- مجموع نشانه‌های کوچک از چند نقطه می‌تواند علامت یک ویژگی عمومی باشد.
- احتمال انباشتگی سیگنال‌های ضعیف و تبدیل آن به سیگنال قوی در آینده.

(قلی‌زاده زاوشتی، ۱۳۹۶، www.ayandehpajoohi.com)

بنابراین نشانه‌ها یا «علائم ضعیف، پیش‌قراولان و منادیان آینده هستند. آنها نشانه‌هایی از آینده هستند که در حالت عادی و بدون اعمال توجه فوق‌العاده، قابل رؤیت و رصد نیستند. این علائم معمولاً در کرانه‌های کاری، نقاط غیرمتمرکز و لبه‌ی آشوب وجود دارند و قادر به جابجایی روابط، مناسبات و معادلات موجود هستند؛ در روندها و سیر رویدادها دخالت نموده و موجب تغییر آنها می‌شوند. با توجه به تغییر گسترده‌ی الگوهای حاکم بر روابط فردی، گروهی، منطقه‌ای و جهانی، اهمیت کشف صدای پای گام‌های آینده جهت جلوگیری از غافلگیری و محصور شدن در سیل بنیان‌کن حوادث بیش از پیش فزونی می‌گیرد.» (گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده‌اندیشی، ۱۳۷۸، ص ۷)

«علائم ضعیف در واقع علائم مربوط به پدیده‌ای است که به طور نسبی کمتر معلوم بوده، به‌طور ضعیف احساس شده و یا این که به‌طور ناچیز توزیع شده است و در واقع همچون یک روند نوزاد بده و به‌طور نسبی در حاشیه‌ی حوزه‌ی دانش فعلی افراد می‌باشد. طبیعت ذاتی این نوع پدیده‌ها طوری است که محدودیت‌های بسیاری را برای تشریح این که چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است، نیروهای پیشران یا بازدارنده چيستند و آیا پدیده‌ی مورد نظر به یک روند قوی تبدیل و یا تحلیل رفته و نابود خواهد شد، ایجاد می‌کند.» (همان، ص ۳۰)

یکی از اصطلاحات هم معنا یا نزدیک به معنای نشانه های ضعیف شگفتی ها هستند؛ «شگفتی^۱ رویداد یا پدیده ای است که احتمال وقوع اندکی دارد، اما در صورت وقوع تأثیرات فراوان و گسترده خواهد داشت و شکل گیری آن موجب غفلت زدگی راهبردی و اطلاعاتی خواهد شد. (خزائی و محمودزاده، ۱۳۹۳، ص ۲۰۱)

«آینده پژوهان تعاریف متعددی درباره ی شگفتی سازها داده اند که تعریف راکفلو^۲ بیشترین مقبولیت را دارد. بنا به تعریف وی شگفتی ساز «رویدادی است با احتمال رخ دادن کم ولی با شدت تأثیر بالا». راکفلو احتمال رخ دادن این رویدادها را حدود ۱۰٪ دانسته و تأثیرات آن ها را در سطح بین المللی می داند. پیترسون^۳ نیز از جمله افرادی است که تعریف مشابه راکفلو ارائه داده است. بنا به تعریف پیترسون، شگفتی سازها «رویدادهایی با احتمال رخ دادن کم ولی با تأثیرات زیاد هستند که بسیار سریع رخ می دهند». مطابق تعریف پیترسون، شگفتی سازها باعث تعجب هر کسی می شوند، زیرا که بسیار سریع روی می دهند و در این حالت سیستم های اجتماعی قادر به واکنش موثر در برابر آن ها نیستند. کورنیش^۴ هم با ارائه تعریف مشابه اضافه می کند که شگفتی سازها قدرت آشفته کردن هر چیزی را دارند و می توانند تغییرات ریشه ای در نوع تفکر و برنامه ریزی های افراد ایجاد کنند. (گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده اندیشی، ۱۳۷۸، ص ۳۱)

۲-۲- چهارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق در حوزه تمدن نوین اسلامی، منویات ولی امر مسلمین که عالی ترین مرجع تشخیص و تدبیر برای جامعه و امت اسلامی هستند، به صورت ذیل می باشد:

ماهیت تمدن اسلام از نوع گرفتن مرزها یا افزایش مرزها نیست؛ «تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت ها از اسلام است». (حضرت آیت الله امام خامنه ای، ۱۳۹۵/۲/۶) اسلام همانند عطری است که فطرت پاک انسان ها را نوازش می دهد و پیروز واقعی کسانی هستند که عطر افشانی می کنند؛ «ملت ایران- همچنان که شأن اوست- در حال پدید آوردن

۱. surprise

۲. John Rockfellow

۳. John Peterson

۴. Edward Cornish

یک تمدن است. پایه‌ی اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱/۱/۱۳۷۳)

منظور از تمدن سازی گرفتن و فتح کشورها نیست، بلکه فکر و اندیشه‌ی ای است که در میان ملت‌ها و امت‌ها پذیرش دارد و آنان را از ابعاد مختلف به خود علاقه مند می‌کند؛ هدف انقلاب اسلامی این است که به تمدن اسلامی نزدیک شود. «خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است.

اگر شما به بلندگویان تمدن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدن مادی غرب ابدی و تغییرناپذیر است... در تمدن مادی غرب ... هرچه حرف می‌زنند، طراحی هزاره‌ی دوم را می‌کنند! حالا مگر تمدن مادی غرب، سرتاسر هزاره‌ی اول را فرا گرفته بود که شما می‌خواهید هزاره‌ی دوم را هم به آن ملحق کنید؟! مگر بشر از این دو، سه قرن که از سیطره‌ی تمدن مادی غرب گذشته، راضی است؟! مگر تمدن مادی غرب توانسته است زخمهای کهنه‌ی بشریت را علاج کند؟! آیا فقر در دنیا از بین رفت؟ آیا گرسنگی از بین رفت؟ آیا ظلم و تبعیض از بین رفت؟ آیا آرامش خاطر انسان تأمین شد؟ آیا مهربانی و صفای میان انسانها تأمین شد؟ یا به عکس، تمدن مادی غرب در دوره‌ی استعمار، سپس در دوره‌ی استثمار- که سلطه‌ی حکومت‌های غربی در دوره‌ی استثمار، مثل دوره‌ی استعمار، مستقیم نبود؛ به شکل استثمار نیروها در دنیای عقب‌افتاده و فقیر بود؛ همان سلطه‌ی پنهانی قاهره‌ی که همه‌ی سرمایه‌ها و همه‌ی نیروها را از آنها می‌ربود و در خود هضم می‌کرد و جیب کمپانی‌های سرمایه‌داری را بیشتر می‌انباشت- و سپس در دوره‌ی رسانه و در دوره‌ی ارتباطات- یعنی امروز- در همه‌ی این سه دوره، با زور، با قدرت‌نمایی، با زورگویی، با ایجاد اختناق طرف مقابل و صف مقابل همیشه وارد میدان شده است؛ درحالی‌که در بالاترین مراکز خود هنوز تبعیض هست، تبعیض نژادی هست، فاشیسم هست! با این سابقه، با این همه گرفتاری، با این همه مشکلات، تمدن مادی غرب ادعای ابدیت می‌کند! اما این ادعا، ادعای واهی، غیرعملی و ناکام است.

آری؛ بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را- بزرگ یا کوچک- تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را بیاماید و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران

ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می کنند دوران ظهور حضرت بقیه الله، آخر دنیاست! من عرض می کنم دوران ظهور حضرت بقیه الله، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جادهی وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده اند تا بشر را از کوره راه ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه جانبه تر، عمومی تر، موفق تر و بی ضایعات یا کم ضایعات تر خواهد بود.

بنابراین، این نظام اسلامی، نظامی است که یک خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است. این سیری نیست که بتواند متوقف شود؛ این سیری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد؛ یک حرکت تکاملی است. از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به وجود آمد؛ این برق در این نقطه از عالم درخشید، چشمهایی را خیره کرد؛ بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به وجود بیاورد؛ این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالشهای خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می رود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند.

نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه؛ معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دلهای نسلهای نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می فهمند و درک می کنند؛ به معنای رساندن یک پیام است به دلها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می کنم، با ریشه های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظرم میرسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده قطعی و اجتناب ناپذیر است». (حضرت آیت الله خامنه ای، ۱۴/۷/۱۳۷۹)

۳- روش تحقیق

این مقاله با روش دیده بانی که از مشهورترین روش های آینده پژوهی است، در متون و اسناد مرتبط با موضوع استفاده شده است و به نوعی تحلیلی و ادراکی و همراه با تقویت مبانی نظری با ماهیت استقرائی و تدوین و تنظیم وقایع اتفاق افتاده در قبل یا حال است.

همانطور که اشاره شد درک انسان ها اساس آینده پژوهی و دیده بانی و تشخیص علائم تغییر برای ساختن آینده است؛ «راه تشخیص علائم ضعیف، تقویت مبانی نظری با ماهیت استقرائی و تدوین و تنظیم تجارب پیشین است. با ملاحظه نحوه شکل گیری و بروز عینی رویدادهای شگفتی ساز قبلی در محیط خودی یا غیر خودی، علائم اولیه ضعیف آنها معین و سپس، به عنوان هشدار در طراحی نظام هشداردهی، مد نظر قرار می گیرد. این کار به نوعی رصد محیطی، دیده بانی و پایش مستمر شرایط است. (حاجبانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵)

این تحقیق نوعی آینده پژوهی اسلامی است و لازم است فصل ممیز آینده پژوهی اسلامی با آینده پژوهی غربی در دو نکته مهم به لحاظ هدف و روش شناسی توجه شود:

الف- مفروضات آینده پژوهی اسلامی

مفروضات بر ادراکات و فعالیت های آینده پژوه هان اثر گذار است. «آینده پژوهی غربی با آینده پژوهی اسلامی تفاوت هایی دارد که مثلاً «در نظر گرفتن اراده جز اراده بشر در پدید آمدن آینده، توسط آینده پژوهی اسلامی پذیرفته ولی در آینده پژوهی سکولار پذیرفته نمی شود. در مجموع مفروضات عمده آینده پژوهی اسلامی عبارتند از:

۱. جهان در همه حال در محضر خدا است.
۲. افزون بر جهان مادی و شهودی، جهان غیب نیز وجود دارد.
۳. وعده قرآن حق است.
۴. اراده خداوند مهمترین عامل آینده سازی است.
۵. افزون بر عوامل فیزیکی و اجتماعی، عوامل دیگری نیز بر آینده تأثیر گذار هستند.
۶. تحقق چشم انداز از آن خداست و می تواند فراتر از تصور انسان باشد.
۷. اراده بشر در طول اراده الهی است.
۸. دین مبین اسلام تضمین کننده برپایی آینده مطلوب است. (پدرام و عیوضی،

۱۳۹۳، ص ۱۶۷-۱۷۳)

توجه به این مفروضات در این تحقق رمز و کلید اصلی شناسایی علام و نشانه های تمدن سازی نوین اسلامی است.

ب- مفروضات آینده پژوهی اسلامی

نکته مهم دیگر روش شناسی برای آینده پژوهی اسلامی توجه به تمدن و تاریخ با رویکرد فلسفی است؛ به عبارتی رویکرد «فلسفه تاریخ» می تواند نشان دهد که کدام فرهنگ و اندیشه در حال روند شدن و تمدن شدن و کدام فرهنگ و اندیشه در حال حرکت نقطه ای است؛ «شناخت روند تاریخی هر ملت به طور خاص به سطح تاریخمندی آن ملت بر می گردد؛ به طور کلی سه سطح ولایه برای تاریخ در نظر گرفته می شود:

- لایه ظاهری وقایع و رخدادها
- لایه قانونمندی طبیعی (خصوصیات و ویژگی های ذاتی فرد یا جامعه)
- لایه قانونمندی اعتباری و فلسفی؛ سطحی از تفکر که در عین حضور در زمان می تواند فراتر از زمان بیندیشند». (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

جدول ۲- تفاوت فلسفه الهی تاریخ و فلسفه غیر الهی تاریخ (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۳۳-۳۴)

اصول و کلیات فلسفه غیر الهی تاریخ	اصول و کلیات فلسفه الهی تاریخ	
اساسا خدایی وجود ندارد یا اگر هست ربوبیت ندارد یا ربوبیتش را به انسان واگذارده است.	خداوند متعال خالق هستی است و کل هستی را ربوبیت می کند	۱
انسان هیچ جهت گیری ذاتی و فطری ندارد	انسان ها همه بر فطرت الهی آفریده شده اند و دارای دو ساحت مادی و معنوی هستند	۲
معیار حق و باطل خود انسان است	انسان به دلیل برخورداری از اختیار می تواند راه حق را برنگزیند؛ اما نمی تواند جهت کل تاریخ را عوض کند.	۳
جریان باطل اصالت ندارد و عارض بر جریان حق است و حق همیشه پیروز است		۴
جریان باطل تنها امداد مادی می شود، اما جریان حق از امتداد مادی و امداد غیبی برخوردار است.		۵

<p>انبیا و ادیان به طور کلی متعلق به دوران جهالت و نادانی بشرند و انسان رشد یافته به دین نیاز ندارد</p>	<p>انبیاء و ادیان به تناسب سطح درک و فهم بشر و سطح پیچیدگی اجتماعی متکامل می شوند و اسلام آخرین و کامل ترین دین است</p>	<p>۶</p>
<p>آزادی، خرد، آگاهی، عدالت، رفاه، پیشرفت، قدرت و منفعت اصول ذاتی، مطلوب و همیشگی بشرند</p>	<p>آگاهی، معنویت، اختیار و عدالت خواسته ها و اصول ذاتی و همیشگی بشرند.</p>	<p>۷</p>
<p>روند تاریخ در جهت اهداف بشری رو به تکامل است و آینده و پایان تاریخ بشریت مثبت و خوش است</p>	<p>روند تاریخ در جهت اهداف الهی رو به تکامل است و آینده و پایان تاریخ بشر مثبت و خوش است.</p>	<p>۸</p>

با همین نگاه رویکردهای کلی فلسفه تاریخ، دو جهت کلی دارد «جهت الهی (خداوند با جلب اراده انسان تاریخ را در جهت اهداف خلقت مدیریت می کند)؛ جهت غیر الهی؛ اراده انسان تاریخ را در جهت اهداف مادی خود مدیریت می کند(اومانیزم و لیبرالیسم)؛ تاریخ بدون هیچ گونه مدیریت و تنها تابع اقتضائات مادی به سمت اهداف مادی در حرکت است(کمونیسم و مارکسیسم). (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۳۲) جدول ذیل تفاوت فلسفه الهی تاریخ و فلسفه غیر الهی تاریخ را تبیین می کند.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

با توجه به ادبیات و چهارچوب نظری تحقیق، در این مقاله سعی شده تا از منابع مختلف، نشانه‌های تشکیل تمدن سازی نوین اسلامی استنباط و ارائه شود. نشانه‌ها در سه گروه اصلی دسته بندی از سوی متفکران برگرفته از ای مدظله های تجربه شده در کشور،



غربی؛ نشانه های منویات امام خامنه العالی و نشانه شد و عملیاتی منطقه و جهان.

شکل ۲- جایگاه دیده بانی و شناسایی علائم ضعیف تغییر در آینده پژوهی (خزائی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵)

۴-۱- نشانه های ضعیف تشکیل تمدن نوین اسلامی در اندیشه متفکران غربی

متفکران غربی در سال های اخیر به صراحت به زوال و شکست تمدن غربی اشاره کرده اند و این نشان دهنده قابلیت جایگزینی تمدن رقیب، یعنی تمدن نوین اسلامی است.

الف- اعتراف به بازگشت خدا به همه قاره ها

ساموئل هانتینگتون در کتاب برخورد تمدن ها معتقد است که خداوند دوباره بر تمام جهان حاکمیت خواهد کرد؛ «پدیده بازگشت خدا جدی و قطعی است؛ تمام قاره ها و کشور ها را در برگرفته است» (هانتینگتون، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰) و شیرین هانتز در کتاب آینده اسلام و غرب معتقد است که مقدمات برتری تمدن اسلامی فرا رسیده است:

۱. حقیقت جوئی معنویت خواهی و عدالت طلبی مهم ترین مولفه هایی است که فطرت بشر را در مسیر بیداری قرار داده است.
۲. کرامت انسانی، آزادی و دخالت واقعی در سرنوشت مطالبه عمومی بشر شده است.
۳. بطلان بسیاری از ایدئولوژی ها و ایسم های غربی و شرقی واضح تر شده است.
۴. دین و معنویت در جوامع بشری در حال احیا است و مهمترین عامل هویت بخش در جهان آینده است.

۵. اسلام در حال گسترش جهانی است و مهمترین نامزد تمدن آینده است». (هانتر، ۱۳۸۰، ص ۱۸)
۶. جوامع اسلامی بیدار شده اند، به اسلام باز می گردند و آن را راه حل مشکلات داخلی و خارج شده از زیر سلطه استعمار سیاسی و فرهنگی غرب می دانند. (الاسلام هو الحل)
۷. تمدن غرب کم سو و سلطه سیاسی-فرهنگی و اقتصادی آن کم رنگ شده است.
۸. مشروعیت ساختار نظام بین الملل زیر سوال رفته است
۹. الگو و تجربه حکومت دینی به طور جدی به میدان رقابت نظری و عملی با الگوهای سکولار و لائیک آمده و سکولاریسم در حال افول است. (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۳۸)

ب- برخورد حتمی تمدن‌ها

اصالت اصلی تمدن با فکر و فرهنگ قوی و برتر است؛ «ساموئل هانتینگتون نظریه پرداز آمریکایی نیز در قالب نظریه معروف «برخورد تمدن‌ها» معتقد است تمدن‌ها در نهایت، پس از یک رویارویی مستمر به مرحله برخورد و فرسایش خواهند رسید و یک تمدن برتر، دیگر تمدن‌ها را نابود خواهد نمود و تبدیل به تمدن بزرگ‌تر خواهد شد. آن قدر این زد و خورد میان تمدن‌ها ادامه خواهد یافت تا بزرگ‌ترین تمدن به پیروزی نهایی برسد و به این صورت تاریخ از آن تمدن پیروز خواهد بود». (عسگری، ۱۳۸۵، ص ۷۲) این پیش‌بینی غلط نیست، «هگل، مارکس، هانتینگتون و فوکویاما همگی با وجود مکاتب فکری خود، تلاش نموده‌اند پایان تاریخ و آینده آن را آنگونه ترسیم نمایند که می‌خواهند و می‌پسندند! و نه آنگونه که خواهد بود و معمار بزرگ هستی اراده فرموده است». (عسگری، ۱۳۸۵، ص ۷۳)

اینکه در این مصاف کدام تمدن پیروز صحنه است، محل بحث است، اما آشکار است که محتوای تحریف شده مسیحیت فعلی توان مقاومت در برابر دین مبین اسلام که منبع اصلی آن قرآن است را ندارد؛ حضرت امام خامنه‌ای در هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی اینچنین می‌فرماید: «اسلام که دین انسانیت و اعتدال و خردورزی و تسلیم در برابر حق متعال است و بی‌شک همه‌ی ادیان، پیش از ورود دست‌های تحریف، چنین بوده‌اند». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۱۸)

«روزی که غرب در دوره‌ی رنسانس، علم و سیاست و روش زندگی را از دین جدا کرد، می‌خواستند به جای بهشتی که ادیان به انسانها وعده می‌دهند، در دنیا برایشان بهشت بسازند. این بهشت، امروز به جهنم تبدیل شده؛ خودشان هم این را می‌گویند. یک روز این‌ها با دین مخالفت کردند. البته دینی که روشن‌فکری اروپا با آن مخالفت کرد، لایق زندگی بشری نبود؛ دین پُر از خرافات بود؛ همان دینی که گالیله را به اعدام محکوم می‌کند و یکی دیگر را زیر شکنجه می‌کشد؛ به‌خاطر اینکه یک کشف علمی کرده! دین مسیحیت تحریف شده، نه مسیحیت واقعی. ایرادی به جدا شدن از آن دین نیست؛ ایراد به جدا کردن معنویت و اخلاق از علم و سیاست و نظام زندگی و روابط فردی و اجتماعی است. علم و عقل را مطلق کردند و گفتند دین کنار برود و علم و عقل بیاید.» (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹)

در واقع محتوای اصلی تمدنی که قابلیت اداره زندگی بشر را برای همه زمان‌ها در ابعاد مختلف دارد، محتوای دست‌نخورده‌ای است که از طرف خداوند برای بشر ارسال شده باشد و این محتوا مانع تمدن‌سازی نیست بلکه مویذ آن است؛ پروفیسور ژول لایبوم معتقد است که «دین هرگز دشمن تمدن نیست، بلکه مهمترین راهنما و پیشاهنگ تمدن است». (لایبوم، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰)

ج- زوال قدرت کلیسا در اروپا

دین تحریف شده مسیحیت قابلیت ماندگاری خود را به صورت شرطی دارد؛ ریچارد رورتی در کتاب آینده دین متذکر می‌شود که کلیسا و دین نباید اروپا محور و قیم مآبانه باشد: «اگر کلیسای کاتولیک بخواهد در آینده به عنوان یک نهاد در قرن ۲۱ حیات داشته باشد، نیازمند پایی است که به عنوان رأس کلیسا برج عاج نشین نباشد، بلکه در درون کلیسا باشند و خادم خادمان خدا باشند. کلیسا نباید اروپا محور و قیم مآبانه باشد». (همان، ص ۳۱) ایشان نشان می‌دهد که غرب در حال دنیوی شدن است؛ «دنیوی شدن^۱ چیزی نیست مگر تاریخ نجیف شدن عقل» (همان، ص ۲۶)؛ و «غرب هرچه دنیوی تر می‌شود کمتر روحانیت سالار (hierocratic) می‌شود» (همان، ص ۵۹)؛ «با دنیوی شدن است که انسان از سلسله مراتب آفرینش‌ها و همه محدودیت‌ها؛ خواه ناخواه از نوع کیهان

۱. secularization

شناختی، خواه از نوع الهیات باشد، رها می شود» (همان، ص ۲۷)؛ «شاید ۱۰۰۰ سال دیگر اولاد دوردست من در تمدنی جهانی زندگی خواهند کرد که در آن عشق تنها قانون است» (همان، ص ۶۱)؛ «بسیاری از فیلسوفان و نیز بسیاری از دانشمندان و الهیات دانان معاصر صرفاً به دلیل رخوت، بیشتر بی دین یا ضد دین هستند تا به دلایل نظری» (همان، ص ۴۱)؛ «من در باب آینده سیاسی بسیار بدبین هستم؛ چرا که تصور می کنم، دموکراسی تنها در صورتی اثر گذار است که شما ثروت را در همه جا گسترش دهید؛ یعنی زمانی که شکاف بین فقیر و غنی را از بین ببرید». (رورتی و واتیمو، ۱۳۹۵، ص ۹۹)

۴-۲- نشانه های تشکیل تمدن نوین اسلامی در اندیشه و منویات ولی امر مسلمین

ولایت فقیه به عنوان امام و ولی جامعه اسلامی، از یک سو یک فقیه جامع الشرایط و عالم به زمان است و از سوی دیگر تجربه ای بیش از ۵۰ سال سابقه مدیریت کلان کشور و امت اسلامی را دارند؛ یقیناً نظرات و منویات ایشان برای همه محققان و پژوهشگران سندیت علمی و منطقی و عقلی دارد.

الف- اراده و دست الهی برای هدایت همه انسان ها

خداوند متعال رب و مربی مردم عالم است و همواره اراده الهی بر این است که انسان ها در معرض هدایت قرار گیرند؛ بنابراین «اعمال اراده و نظر الهی برای بیداری انسان ها و بازگشت آن ها به ارزش های دینی است». (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۲۲) امام خامنه ای درباره حادثه خرمشهر به نقل از امام خمینی رحمت الله علیه اراده خدا برای پیروزی را علت اصلی پیروزی می دانند و نقل می کنند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد^۱ و ما رَمِيتَ إِذْ رَمِيتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى^۲؛ من و شما کاره ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است. من و شما وسائلی هستیم که اگر عقل به خرج بدهیم، اختیار خودمان را به کار بیندازیم، وارد میدان بشویم، از ما برای حصول این هدف استفاده خواهد شد و افتخار و شرفش برای ما می ماند. اما اگر ما هم نباشیم: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ^۳ این جور نیست که، بار خدا بر زمین نمی ماند، پیش خواهد رفت؛ یک حرکت طبیعی، ناموس طبیعت است، ناموس تاریخ است.

۱. جمله معروف امام خمینی رحمت الله علیه در پیروزی جبهه اسلام در عملیات بیت المقدس

۲. سوره مبارکه انفال؛ آیه ۱۷

۳. سوره مبارکه مائده؛ آیه ۵۴

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ^۱ با تعبیرات مختلف در جاهای مختلف قرآن آمده: «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^۲ این سنت الهی است. وَ لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلْيًا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ^۳. این، یک جایش است.» «و لن تجد لسنة الله تبديلا»؛ یعنی اگر شما بیاید توی میدان، بر دشمنان پیروز خواهید شد؛ یعنی این سنت الهی است؛ حالا این پیروزی ممکن است یک روزه و یک ساله نباشد، اما در نهایت پیروزی است. این پیروزی قطعاً حاصل خواهد شد. شکست و انهزام در جبهه‌ی حق معنی ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق توی میدان نیایند؛ کار لازم را نکنند؛ این است دیگر. بنابراین، کار، کار خداست: «و ما رمیت اذ رمیت». (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵)

این تعبیر معظم له به صراحت در قرآن کریم مورد تأکید است؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا: خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد. همان گونه کسانی را که پیش از این بودند (جانشین خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند (تا) مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.»

ب-پیش بینی انقلاب در آمریکا و گل آلود کردن آب توسط دولت آمریکا

یکی از پیش بینی های رهبر حکیم انقلاب اسلامی این است که در داخل آمریکا انقلاب خواهد شد و مردم کسانی را که با عقل و فطرت انسانی به مخالفت علنی می پردازند را از آمریکا بیرون خواهند کرد؛ معظم له در سال ۱۳۷۴ می فرماید: «اگر در آینده انقلابی در کشور ایالات متحدهی آمریکا فرض و تصور شود، شروع این انقلاب این گونه خواهد بود که مردم آمریکا می ریزند و صهیونیستهای آمریکا را - که امروز بر سراسر وجود آن کشور مسلطند - تکه تکه می کنند.» «و ان ربك لبالمرصاد» این گونه نمی ماند؛ اما فعلاً همین است. چون می بیند که در این گوشه ی دنیا، تالو حق

۱. سوره مبارکه فتح؛ آیه ۲۳

۲. سوره مبارکه احزاب؛ آیه ۶۲

۳. سوره مبارکه فتح آیات ۲۲ و ۲۳

۴. سوره مبارکه نور، آیه ۵۵

فضا را روشن می‌کند، مجبورند که حرکت باطل کنند، تیراندازی کنند و حمله کنند». (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۷)

ج-زوال تدریجی امپراتوری غرب و نشانه های آن

انقلاب اسلامی به پشتوانه معارف تجربه شده آن در طول تاریخ به اهداف بلند خود خواهد رسید؛ امام خامنه ای در این باره می فرماید: «بانوی ما، زینب کبری علیهاسلام، خطاب به سیه‌روی‌ترین انسانهای زمان خود فرمود: کد کیدک، واسع سعیک فوالله لاتمحووا ذکرنا. امروز ملت ایران و مسؤولان این کشور، همان سخن را به دشمنان زورگو و یاوه‌گوی جمهوری اسلامی می‌گویند... مگر شما می‌توانید کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی برسانید؟! شما خواهید مرد. شما خواهید رفت. شما مانند آن امپراتوری دیگر، زایل خواهید شد و پرچم اسلام روزبه‌روز، برافراشته‌تر خواهد شد. ملت ایران و هرکس که متمسک به اسلام است، روزبه‌روز زنده‌تر خواهد شد». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۶)

ایشان برای مردن و زوال امپراطوری غرب نشانه‌هایی ارائه می فرمایند و متذکر می‌شوند که این نشانه‌ها را خود متفکران آمریکایی نیز اعلام کرده اند: «زوال تمدن‌ها معلول انحرافهاست. تمدن‌ها بعد از آن‌که به اوجی رسیدند، به خاطر ضعفها و خلأها و انحرافهای خود رو به انحطاط می‌روند. ما نشانه‌ی این انحطاط را امروز در تمدن غربی مشاهده می‌کنیم، که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. وقتی که در فلسطین اشغالی، در خانه‌ی مردمی که خود صاحبخانه‌ها از زندگی در آن یا از زندگی آسوده در آن محرومند، یک فلسطینی از سر ناچاری حرکتی انجام دهد و آسیبی به یک صهیونیست بیگانه‌ی غریبه‌ی به‌زور آمده بخورد، همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب بسیج می‌شوند تا این حادثه را بزرگ کنند! اگر کسی کشته شده باشد، عکس پدر او، مادر او، بچه‌ی او، خواهر او، گریه‌ها و ناراحتی‌هایشان، در مجلات آمریکایی و سایر مجلات دنیا چاپ می‌شود! اما امروز یک کودک، یک نوجوان، در آغوش پدرش و در مقابل چشم او، در فلسطین کشته می‌شود، زن و مرد و کودک نمازگزار در مسجدالاقصای مسلمانان به گلوله بسته می‌شوند، دستگاه‌های ارتباطاتی جمهوری اسلامی روز اول با اروپا تماس گرفتند که خبرهای اروپا را کسب کنند، از آن طرف به آنها گفتند که این‌جا هیچ خبری نیست! حادثه‌ی به این عظمت، در روزهای اول و دوم، در اروپا و در منطقه‌ی سلطه‌ی تمدن غربی، هیچ خبری نیست! تا وقتی که به تدریج تظاهرات اوج می‌گیرد، مردم در همه جا بلند می‌شوند، صدای اعتراضها بلند می‌شود، آن

دستگاه‌هایی که مدّعی طرفداری از حقوق بشرند، مدّعی اطلاع‌رسانی‌اند، آن‌وقت مجبور می‌شوند یک اطلاعی، آن هم البته ناقص و نه کامل، یک‌جانبه و نه عادلانه، به سود غاصب و نه به سود مردم مظلوم بدهند! اینها همه نشانه‌های شکست و انحطاط تمدن غرب است.

البته نه پیدایش و نه زوال تمدن‌ها، مسأله‌ای دفعی نیست؛ یک مسأله‌ی تدریجی و تاریخی است؛ اما اینها نشانه‌هایش است. امروز بسیاری از متفکران غرب هم به این حقیقت توجه پیدا کرده‌اند، هشدار می‌دهند و می‌گویند.

بنابراین هیچ شگفتی نباید داشت از این‌که برقی از گوشه‌ای بجهد؛ همچنانی که همه‌ی تمدن‌های عالم به وجود آمده‌اند، یک فکر نو، یک پیشنهاد نو برای بشریت مطرح شود و بر اساس آن فکر، یک نظام سیاسی در گوشه‌ای از دنیا بتواند یک ملت را گرد هم جمع کند؛ آن ملت ایستادگی کند؛ آن مردم به شرایط لازمی که خواهم گفت، عمل کنند؛ زیدگان و نخبگان و خواص جامعه نقشهای خود را پیدا کنند و طبق آن عمل کنند. لذا هیچ بُعدی ندارد، بلکه نتیجه‌ای حتمی است، که این تمدن مثل همه‌ی تمدن‌های دیگر رشد خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که به تدریج بالا می‌آید و به وسط السماء می‌رسد، اشعه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

د- پیچ و نقطه عطف تاریخ

همانطور که اشاره شد، تمدن یک بار فکری و فرهنگی دارد و نمی‌توان مردم را با زور مجبور به پذیرش یک جریان فکری کرد؛ تشکیل تمدن نیازمند افزایش اختیار و اراده انسان‌ها برای پذیرش فکر برتر و نوتر است؛ «تاریخ به سمت اسلام و تسلیم شدن اختیاری انسان در مقابل اراده الهی در حرکت است. آنچه موجب احیا و تقویت اسلام شود، موجبات تقویت و احیای خود را نیز فراهم می‌کند انقلاب اسلامی احیاگر اسلام در جهان شد، آینده اش نیز تا اندازه‌ای به آینده اسلام گره خورده است». (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۳۱)

امام خامنه‌ای در سال ۱۳۷۰ خطاب مجاهدان تأکید می‌کنند که حرکت در پیچ تاریخ تدریجی است؛ «تاریخ دارد عوض می‌شود. یکی از پیچهای مهم حرکت تاریخ، در زمان من و شما دارد طی می‌شود. پیچهای تاریخ، در طول سالهای متمادی طی می‌شود. گاهی عمر یک نسل یا دو نسل، در تاریخ یک لحظه است. ما در یکی از همان پیچهای عمده و در یکی از همان نقاط عطفیم» (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵)؛ نوزده سال بعد نیز معظم له همین مطلب را در جمع دیگر از مجاهدان

مورد تأکید قرار می دهند و تدریجی بودن و فراگیر بودن آن را متذکر می شوند؛ «عزیزان من! کشور شما و ملت شما در یک پیچ خطرناک تاریخی در حال حرکت است. سی سال است ما داریم این پیچ را طی میکنیم. به نقاط خطرناک، خطرخیز رسیدیم، از آن عبور کردیم؛ لکن تمام نشده. این نقطه‌ی حساس تاریخی فقط مربوط به تاریخ ایران نیست، مربوط به تاریخ امت اسلامی است». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۳۱)

ه- قطعیت و حتمیت طلوع و پیروزی تمدنی

ولی امر مسلمین جهان تاکنون چندین بار در زمان‌های مختلف قطعیت و حتمیت تشکیل تمدن نوین اسلامی را متذکر شده اند و از مسئولان و نخبگان و مردم خواسته اند که با امید مضاعف پیش بروند و بیشتر تلاش کنند؛ بیان این قطعیت و حتمیت در طول سال‌های مختلف نشان دهنده یک باور و تجربه عمیق در ایشان است؛ به عبارتی ریشه حتمیت و قطعیت در اندیشه معظم له اولاً تعالیم و آموزه‌های وحیانی و باور ایشان به وعده‌های الهی است و ثانیاً سابقه مدیریتی زیاد و تجارب ایشان در تعاملات علمی و اشراف بر تحولات و تغییرات جهانی می باشد:

- سال ۱۳۷۵: «کشور امروز با کشور پیش از انقلاب، قابل مقایسه نیست. اوضاع کشور روزبه‌روز، هم از لحاظ مسائل انسانی و هم از لحاظ تعلیم و تربیت و هم از لحاظ نوسازی و پیشرفت و سازندگی کشور، پیشتر می‌رود. باید همه تلاش کنند و دست به دست هم دهند تا ان شاء الله این راه را به پایان برسانند. شما ملت عزیز ایران، خورشیدی خواهید شد که بر تمام کشورها خواهید تابید و ملتها را روح و نشاط خواهید داد. شما تحولی به پا خواهید کرد و باعث خواهید شد که ملتها بایستند و در امور زندگیشان تصمیم بگیرند. خدای متعال هم، یاور و یار شما خواهد بود و به شما توفیق عنایت خواهد کرد. ان شاء الله». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۱۲)
- سال ۱۳۷۶: «جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران‌قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را

برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند».

(حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۵/۲۹)

• سال ۱۳۷۸: «دشمن فهمیده است آگاهی اسلامی و بیداری اسلامی در محیط مسلمان‌نشین عالم، کار خود را می‌کند. حقیقت هم همین است. یقیناً همین احساس، ملت‌های اسلامی را به سمت نظام اسلامی و به سمت تشکیل امت واحدی اسلامی خواهد کشاند؛ این یک آینده‌ی حتمی است». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۴/۱۰)

• سال ۱۳۷۹: «نتیجه‌ای حتمی است، که این تمدن مثل همه‌ی تمدن‌های دیگر رشد خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که به تدریج بالا می‌آید و به وسط‌السماء میرسد، اشعه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید... این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می‌کنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظرم می‌رسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

• سال ۱۳۹۰: «مسئله‌ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. اینجور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، متها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت، ولی نمی‌شناختند». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

• سال ۱۳۹۲: «جوانها! بدانید، بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این

کشور و این نظام متعلق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عقّت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید». (حضرت آیت الله امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹)

۴-۳- نشانه‌های تجربه شده و عملیاتی شده در کشور، منطقه و جهان به لحاظ

نظری و عملی

الف- به واقعیت پیوستن انقلاب اسلامی

به واقعیت پیوستن و تحقق انقلاب اسلامی خود یکی از نشانه‌های تحقق وعده خدا برای اسلامی شدن امت اسلامی است؛ آقای علی عسکری در کتاب آینده انقلاب اسلامی تأکید می‌کند که «انقلاب اسلامی بخشی از خط ممتد تاریخ است و لذا نمی‌توان آن را مانند یک پاره خط بررسی کرد» (عسگری، ۱۳۸۵، ص ۷۹)؛ «بنابراین اساساً نگاه امام به موضوع انقلاب اسلامی نگاهی الهی است که با این نگاه آنچه در مورد آینده انقلاب رقم می‌خورد بیشتر ماهیتی ماورایی و الهی دارد» (همان، ص ۱۱۸) و «انقلاب اسلامی به این دلیل که توانسته است الگوی یک نهضت بیداری دینی را در جهان امروز ترسیم نماید مورد توجه بسیاری از ملت‌ها واقع شده و در واقع زبانه‌های نفوذ انقلاب اسلامی را باید در جایی فراتر از مرزهای رسمی و جغرافیایی جست و جو کرد». (همان، ص ۱۸)

ب- رشد گرایش‌های دینی در غرب

یکی از نشانه‌هایی که تجربه شده و در حال رشد می‌باشد این است که با وجود تربیت و آموزش غربی و همچنین امپراطوری رسانه‌ها در غرب، گرایش مردم غرب به اسلام در حال رشد است. بنابراین «دوران معاصر را عصر بازگشت به ایمان و دوران معنویت‌گرایی نامیده‌اند. رشد بی‌وقفه گرایش‌های دینی در غرب اساس این نامگذاری است» (همان، ص ۲۶)؛ «البته سوق دادن این گرایش اصیل به مکاتب عرفانی بی‌بنیاد را شاید بتوان یکی از تلاش‌های اصلی دستگاه تبلیغاتی غرب دانست و توجه ویژه هالیوود به فیلم‌هایی چون بودای کوچک، روح و ... در آغاز دهه ۹۰ میلادی را نشانه‌هایی از این عزم به شمار آورد. عوامل گوناگونی موجب این بازگشت و رجعت

نورانی انسان به حقیقت ایمانی خویش شده اند که می توان آن ها را به دو گروه عوامل درونی و بیرونی تقسیم نمود. در گروه عوامل درونی، در برابر عوامل محیطی ایمان زدا، عامل درونی ایمان زا نقش اصلی در بازگشت انسان این عصر به معنویات و عنصر ایمان را بر عهده داشته است. بی تردید فطرت عامل اصلی این بازگشت به شمار می رود». (همان، ص ۲۹)

ج- رشد بیداری اسلامی در جهان

اگر به آینده انقلاب از منظر جهانی شدن نگاه شود، رشد بیداری اسلامی در کشورهای مختلف نشان می دهد که به دلایل فطری و جذابیت های اسلام، فرایند جهانی شدن آن یا همان بیداری اسلامی در حال افزایش است. امروز وقایع و حایقی که در کشورهای مختلف مثل عراق، سوریه، لبنان، پاکستان، افغانستان، یمن، بحرین، تونس و... نشان دهنده گرایش ملت ها و مردم این کشور ها به سمت دین مبین اسلام و اسلام واقعی است. «بیداری اسلامی نتیجه نهایی ایمان گرایی و خردورزی دین مدار زمان آگاه است. عصر حاضر را باید به حق در یک کلام قرن احیای مجدد بیداری اسلامی دانست» (همان، ص ۳۴). «اسلام علی رغم اینکه امتی متفرق به نظر می آید، اما به طور فزاینده، روزبه روز مرئی تر و متجلی تر می شود» (همان، ص ۳۵). «بازار جهانی سازی غرب، تکنولوژی است و ابزار جهانی سازی اسلامی، پیام وحی، فطرت های پاک و دل های مستعد می باشد. بنابراین باید دقت داشت که شبکه جهانی سازی اسلام، پرنفوذتر، کارا تر و عمیق تر است». (همان، ص ۸۹)

د- افزایش مناسبات اسلامی در بین مردم کشورهای اسلامی (حج و اربعین)

در یک قرن گذشته رشد مناسبت های جهانی اسلامی در حال افزایش است؛ شرکت شکوهمند



مسلمانان در مراسم حج ابراهیمی و اربعین حسینی از مظاهر اصلی امت واحد اسلامی است. «آمارها نشان می دهد که در ۹۲ سال اخیر، مکه معظمه همواره مورد استقبال حجم عظیمی از مسلمانان برای انجام مراسم حج واجب بوده است. با نگاه به آمارها می توان دریافت شمار زائران خارجی تقریباً به ۳۰ برابر از ۵۸۵۸۴ نفر در سال ۱۹۲۰ به ۱۷۱۲۹۶۲ نفر در سال ۲۰۱۲ افزایش پیدا کرده است». (سلامی، ۱۳۹۴،

(Arabeen & www.en.m.wikipedia.org/wiki/Hajj)

نمودار روبرو نیز آمار تقریباً یک میلیونی حجاج در سال ۲۰۱۷ را به تفکیک کشورهای مهم به نقل از خبرگزاری شبستان نشان می دهد.

«در مقایسه با مراسم حج، تعداد شرکت کنندگان مراسم اربعین حسینی چندین برابر بیشتر از مراسم حج است. به علت مراسم خودجوش و مردمی اربعین حسینی، آمار دقیقی از تعداد شرکت کنندگان در دسترس نیست ولی تعداد زائران حسینی را در اربعین سال ۲۰۰۸ تقریباً ۹ میلیون قلمداد کرده اند. این رقم در سال ۲۰۰۹ افزایش قابل توجهی داشت و به ۱۸ میلیون زائر رسید و در سال ۲۰۱۳ این تعداد به ۲۰ میلیون زائر از ۴۰ ملیت مختلف از آسیا، آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا و آفریقا رسید.» (سلامی، ۱۳۹۴، www.en.m.wikipedia.org/wiki/Hajj, Arabeen &)

۵ - نتیجه گیری و پیشنهاد

باور به وعده های الهی و توجه به سایر عوامل غیر مشهود در زندگی بشر زیر بنای آینده پژوهی اسلامی است. تحقق انقلاب اسلامی یکی از نشانه های تحقق وعده های الهی در عصر حاضر است؛ هدف این انقلاب تمدن سازی نوین اسلامی است؛ این انقلاب در حال رفتن به سمت تمدن سازی نوین اسلامی است و اثار و نشانه های آن قابل ملاحظه و شناسایی است. در آینده پژوهی اسلامی علاوه بر توجه به مشهودات بایستی به سایر عوامل اثر گذار بر زندگی بشر معتقد بود و از همه مهمتر وعده های الهی را باور داشت.

برآینده مجموع نشانه های فوق نشان دهنده این است که با عنایت الهی تمدن نوین اسلامی در حال شکل گیری است. هر حرکتی نقطه شروعی دارد و به مرور رشد می کند؛ مجموع موارد فوق حکایت از شروع تمدن سازی نوین اسلامی است.

وقتی تمدن سازی نوین اسلامی در حال شکل گیری است، نهادها و سازمان ها و شرکت های مختلف بایستی توان رقابت و فعالیت در سطح تمدنی را داشته باشند و به عبارتی خودشان را تمدنی بسازند. توجه به فرصت های تمدن سازی نوین اسلامی و همچنین تهدیداتی که به همین واسطه از ناحیه دشمنان علیه اتحاد امت اسلامی در حال شکل گیری است، اهمیت زیادی برای آحاد مسلمانان، نخبگان، مسئولین، شرکت ها، سازمان ها و نهادهای انقلابی و اسلامی دارد.

موارد ذیل شایسته و مصداق عمل صالح برای انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی است:

• محققان و پژوهشگران ویژگی ها و راهکارهای رشد و تقویت شرکت ها، نهادها و

- سازمان های تمدنی را عالمانه و منطقی تبیین و تشریح کنند.
- شرکت ها، سازمان ها و نهادها نیز بایستی توان فکری و عملی خودشان را در این سطح افزایش دهند.
- تولید نظریه سازمان های تمدن ساز، یکی از نیازهای امروز برای مسلمانان است.
- به نظر می رسد علاوه بر نشانه ها و علائم این تحقیق، می تواند روندهای مستند و متکی به آمار و اطلاعات را نیز به آن استنتاج و اضافه کرد.

۶- منابع

www.ayandehpajoohi.com

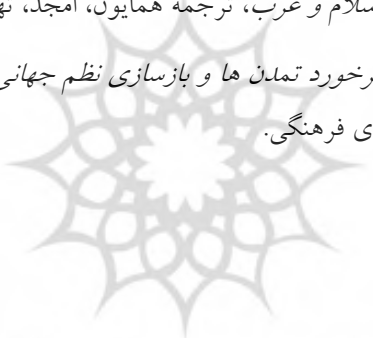
۱. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، ج ۲۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)؛ پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات، ج ۲۱.
۲. امام خامنه ای، سید علی، (؛ ۰۶ / ۰۲ / ۱۳۹۵)، *نرم افزار حدیث ولایت*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خامنه ای مدظله، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
۳. -----، (۱۸ / ۰۶ / ۱۳۸۸)، در دیدار اعضای هیئت دولت،
۴. -----، (۲۷ / ۰۶ / ۱۳۷۰)، بیانات در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۵. -----، (۱۴ / ۰۷ / ۱۳۷۹)، در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه؛
۶. -----، (۱۸ / ۰۴ / ۱۳۹۰)، در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت.
۷. -----، (۲۹ / ۰۵ / ۱۳۷۶) بیانات در دیدار ایشارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی.
۸. -----، (۱۲ / ۰۲ / ۱۳۷۵)، در دیدار با جمع کثیری از کارگران، معلمان و فرهنگیان کشور؛
۹. -----، (۲۹ / ۰۸ / ۱۳۹۲) در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلای امام خمینی رحمه الله تهران.

۱۰. -----، (۱۳۸۹ / ۰۶ / ۳۱)، در دیدار جهادگران بسیج سازندگی.
۱۱. -----، (۱۳۸۴ / ۰۲ / ۱۹)، در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان.
۱۲. -----، (۱۳۷۸ / ۰۴ / ۱۰)، در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع).
۱۳. -----، (۱۳۷۴ / ۰۹ / ۲۶)، در مراسم صبحگاه نیروی هوایی.
۱۴. -----، (۱۳۷۶ / ۰۹ / ۱۸)، در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی.
۱۵. -----، (۱۳۷۴ / ۰۸ / ۱۷)، در میدان «صبحگاه دانشگاه امام حسین» (ع).
۱۶. -----، (۱۳۷۳ / ۰۱ / ۰۱)، پیام نوروزی به مناسبت حلول سال.
۱۷. پدرام، عبدالرحیم و احمدیان، مهدی، (۱۳۹۴)، *آموزه‌ها و آموزده‌های آینده پژوهی*، تهران، افق راهبردی، موسسه افق آینده پژوهی راهبردی.
۱۸. پدرام، عبدالرحیم و عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۹۳)، *درآمدی بر آینده پژوهی اسلامی*، تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۹. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *هشداردهی: کارکرد تحلیل اطلاعاتی در پیش‌گیری از غافل‌گیری*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره سوم، شماره ۵۳.
۲۰. خزائی، سعید، (۱۳۹۵)، *اصول و مبانی آینده‌پژوهی در کسب و کار؛ فایل پاور پوینت درسی در دانشگاه عالی دفاع ملی*.
۲۱. خزائی، سعید و محمود زاده، امیر، (۱۳۹۳)، *آینده پژوهی*، اصفهان، انتشارات علم آفرین، چاپ پنجم.
۲۲. ریچارد رورتی، جیانی واتیمو، (۱۳۹۵)، *آینده دین*، ترجمه رمضان برخوردار، تهران، نشر جامعه شناسان.

۲۳. سلامی، ۱۳۹۴، www.en.m.wikipedia.org/wiki/Hajj، Arabeen &

۲۴. طاهری دمنه، (۱۳۹۴)، www.iranianfuturist.com.

۲۵. عسکری، علی، (۱۳۸۵)، *آینده/انقلاب*، تهران، کانون اندیشه جوان.
۲۶. قلی زاده زاوشتی، مهدی، (۱۳۹۶)، *علائم ضعیف تغییر (signal weak)*.
۲۷. گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده اندیشی، (۱۳۷۸)، *علائم ضعیف؛ طلوعه رویدادهای بزرگ آینده*، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲۸. لایبوم، ژول، (۱۳۷۳)، *ایدئولوژی و فرهنگ اسلام*، ترجمه رسول دریایی، تهران، نشر میثم.
۲۹. مظاهری، ابوذر، (۱۳۹۳)، *افق تمدن/انقلاب اسلامی*، اصفهان، نشر آرما.
۳۰. وندل بل، (۱۳۹۲)، *مبانی آینده پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی.
۳۱. هانتز، شیرین، (۱۳۸۰)، *آینده اسلام و غرب*، ترجمه همایون، امجد، تهران، فرزانه روز.
۳۲. هانتیگتون، ساموئل، (۱۳۸۸)، *برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی